

## بررسی سیره مدنی رسول خدا(ص) در پژوهش‌های تاریخی همیلتون گیب

مرتضی رضایی<sup>۱</sup>

**چکیده:** همیلتون گیب (Hamilton A. R. Gibb) (۱۸۹۵-۱۹۷۱م) از جمله محققان و اندیشمندان خاورشناسی است که در زمینه‌های زبان و ادبیات عربی، تاریخ اسلام، فرهنگ و تمدن اسلام صاحب نظر بوده و به همین جهت به تحقیقات در حوزه تاریخ اسلام روی آورد و تألیفات زیادی در این زمینه از خود بر جای نهاد. نگاه همراه با گمان و تردید وی در خصوص برخی مسائل تاریخ اسلام به ویژه سیره رسول خدا(ص) که از خصوصیات عمومی شرق‌شناسان محسوب می‌شود، اگرچه چندان عجیب نمی‌نماید؛ اما آشنایی و زندگی در کنار مسلمانان، در فهم و درک وی از تاریخ و سیره پیامبر اسلام تأثیر زیادی گذاشته باشد. دفاع از شخصیت معنوی و سیاسی پیامبر که از آن به «نبوغ و درایت» یاد می‌کند در تمام آثار گیب به نوعی پدیدار می‌گردد و نگاه او را تا حدودی از سایر سیره‌پژوهان غربی متمایز می‌سازد. سیره مدنی رسول خدا(ص) به جهت وجود فراز و نشیب‌های فراوان تاریخی، همواره مورد توجه محققان و به طور خاص خاورشناسان بوده است. این نوشتار قصد آن دارد با بررسی آثار همیلتون گیب بتواند به تبیین سیره مدنی رسول خدا(ص) از نگاه این اندیشمند غربی بپردازد.

**واژه‌های کلیدی:** محمد(ص) (پیامبر اسلام)، سیره، تاریخ اسلام، شرق‌شناسی، همیلتون گیب

۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام- دانشگاه تربیت مدرس تهران mortaza\_rezaei@yahoo.com

تاریخ دریافت: اسفند ۱۳۹۱، تاریخ تأیید: اردیبهشت ۱۳۹۲

## Study of Hamilton Gibb's ideas about *Sira* of Muhammad in Medina

Mortaza Rezaei<sup>1</sup>

**Abstract:** As a well-known orientalist, Arab linguist and historian, Hamilton A. R. Gibb (1895-1971) wrote numerous books on Islamic history. Although, as an orientalist, his doubtful questishing of Islamic history and *Sira* are not particular to him, his thoughts under went a massive positive change about Islam and Muhammad. Gibb's admiration of the Prophet as a spiritual and political personality, and praise for his "Talent and intelligence" in all of his works, makes him different from other orientalists. Because of many vicissitudes in the life of the Prophet, the second part of his life in Medina attracts more attention between western scholars. This study will try to survey Gibb's point of view about *Sira* of the Prophet in Medina.

**Keywords:** Muhammad, *Sira*, Orientalism, Hamilton A. R. Gibb

---

1 Master of Islamic History of Tarbiyat Modarres University

mortaza\_rezaei@yahoo.com

# ۱. زندگینامه همیلتون الکساندر روسکین گیب (۱۸۹۵-۱۹۷۱م.)

همیلتون الکساندر گیب (Hamilton A. R. Gibb) به سال ۱۸۹۵م. در اسکندریه مصر متولد شد. پدرش الکساندر کرافورد گیب (Alexander Crawford Gibb) فرزند جان گیب (John Gibb) اهل اسکاتلند (Scotland) بود که در آن زمان مدیریت مزرعه وابسته به شرکت عمران زمین‌های ابوقیر را به عهده داشت. با مرگ پدر در ۱۸۹۷م. مادرش جین آن گاردنر (Jane Ann Gardner) که او نیز اهل اسکاتلند بود، به اسکندریه نقل مکان کرد و شغل معلمی در مدرسه دخترانه کلیسای اسکاتلندی‌ها را اختیار کرد و همیلتون را در پنج سالگی برای آموزش رسمی به اسکاتلند فرستاد. وی چهار سال تدریس خصوصی دید و آنگاه در ۱۹۰۴م. وارد دبیرستان سلطنتی ادینبورگ شد و تا ۱۹۱۲م. در آنجا تحصیل نمود. در این مدت، دو بار تعطیلات تابستان را در مصر گذراند. اگرچه تدریس او جنبه سنتی داشت، آموزش‌های ارزشمندی در زمینه زبان‌های فرانسوی، آلمانی و علوم طبیعی آموخت و دبیرستان را با درجه عالی به پایان رساند.

در ۱۹۱۲م. وارد دانشگاه ادینبورگ (Edinburgh University) شد و در همان سال اول در کلاس‌های فوق برنامه خلافت‌های جدید ثبت‌نام کرد و به یادگیری زبان‌های سامی یعنی عبری، عربی و آرامی رو آورد. پرفسور کندی (A. R. S. Kennedy)، متخصص زبان عبری، استاد مؤثری برای او بود اما او زبان عربی را موضوع بسیار پرهیجان و جذابی یافت و آن را از استاد جوانی به نام ادوارد رابرتسون (Edward Robertson) که بعدها استاد زبان‌های سامی در منچستر شد، فراگرفت. در ۱۹۱۳م. زمانی که سال دوم را در دانشگاه ادینبورگ می‌گذراند، مادرش را از دست داد.

در آن زمان دانشگاه ادینبورگ مانند سایر دانشگاه‌های بریتانیا، بخشی با عنوان گروه تربیت افسران داشت و رسته توپخانه آن موجب مباحثات این گروه بود. گیب به استخدام این رسته در آمد و پشتکار و جدیتش در آموزش‌های نظامی، علاقه شدید او را نمایان ساخت.

همیلتون در همان رسته توپخانه دانشگاه خود که اینک به یگان آموزش توپخانه تغییر نام پیدا کرده بود، مشغول به خدمت شد. پس از چندی بنا به درخواست خود در فوریه ۱۹۱۷م. به ساوت میدلند بریج (South Midland Brigade) در فرانسه مأموریت نظامی یافت. خدمت خود را در فرانسه و چند ماهی در ایتالیا و در توپخانه سلطنتی به پایان رساند و این مقطع تا بعد از صلح موقت در ۱۹۱۸م. ادامه پیدا کرد.

در تابستان ۱۹۱۹م. از دانشگاه ادینبورگ دانش‌آموخته شد و در دانشکده مطالعات شرقی دانشگاه لندن (London School of Oriental Studies) در مقطع کارشناسی ارشد ادبیات عرب پذیرفته

شد. عنوان رساله کارشناسی ارشد او در دانشگاه لندن «فتوحات اعراب در آسیای مرکزی *Arabs Conquest in Central Asia*» بود.<sup>۱</sup>

در پاییز ۱۹۲۱م. به جهت همکاری با پرفسور توماس آرنولد به سمت مربی نائل آمد و در بهار ۱۹۲۲م. درجه کارشناسی ارشدش را دریافت نمود. در طول سال‌های ۱۹۲۶-۱۹۲۷م. نخستین سفر طولانی خود را به خاورمیانه آغاز کرد و فرصتی دست داد تا به مطالعه ادبیات معاصر عربی روی آورد و البته پیش از آن دو بار برای گذراندن اوقات فراغت به شمال آفریقا مسافرت کرده بود.

در ۱۹۲۹م. به عنوان دانشیار در رشته تاریخ و ادبیات عربی برگزیده شد و پس از مرگ توماس آرنولد (Thomas Arnold) به ۱۹۳۰م. کرسی زبان و ادبیات عربی را به گیب دادند و او نیز به عنوان جانشین آرنولد در جمع مسئولان «دایره المعارف اسلام *Encyclopedia of Islam*» انتخاب شد که تا ۱۹۵۵م. در این مجموعه فعالیت نمود و از نتایج آن همکاری، چاپ دوم *دایره المعارف اسلام* (۱۹۴۵م.) و نگارش مقالات فراوانی است که بدان‌ها اشاره خواهد شد.

همیلتون گیب از ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۷م. در دانشگاه لندن و از ۱۹۳۷ تا ۱۹۵۵م. در دانشگاه آکسفورد (Oxford University) و دانشگاه هاروارد (Harvard University) به مقام استادی زبان و ادبیات عربی نائل آمد. وی به ۱۹۵۵م. به نوعی فلج مبتلا شد، هرچند بهبود یافت اما تا پایان عمر عارضه‌های آن را همراه خود داشت.

او مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه‌ای دانشگاه هاروارد (Middle Eastern Studies) شد و در سال ۱۹۶۴م. با عنوان استاد نمونه از هیأت علمی دانشگاه هاروارد و کرسی درس زبان و ادبیات عربی جیمز ریچارد جوت، بازنشسته شد ولی همچنان مدیریت مرکز مطالعات را که از ۱۹۵۷م. اداره می‌نمود، بر عهده داشت. گیب، اوقات زندگی خود را میان کمبریج و ماساچوست و خانه خود واقع در آکسفورد تقسیم می‌کرد. سرانجام همیلتون گیب در سن هشتاد سالگی به سال ۱۹۷۵م. در شهر آکسفورد در گذشت.

او شاگرد استادان بزرگ شرق‌شناسی از جمله سِر توماس آرنولد (Sir Thomas Arnold)، بارتولد (Barthold)، سِر دنیسون روس (Sir Denison Ross)، فُن گرونباوم (Von Grunbaum)، کندی (A. R. S. Kennedy)، هایدون (E. Haydon)، دین کارل هوث (D. C. Huth) و جان ویلسون (Gohn Wilson) بوده

۱ همیلتون گیب [بی تا]، فتوحات اعراب در آسیای مرکزی، ترجمه حسین احمدی پور، تبریز: اخترشمال، ص ۶.

است.<sup>۱</sup> همچنین «نشان لیاقت Knight Bachelor» انگلستان در ۱۹۵۴م. نشان فرمانده Commander of Orange-Nassau از هلند، «نشان افتخار Legion of Honor» را از فرانسه دریافت کرد.<sup>۲</sup>

در باره مقام علمی همیلتون گیب همین بس که با دانشگاه‌های بریتانیا، دانمارک و انجمن فلسفه آمریکا ارتباط داشته و عضو افتخاری فرهنگستان‌های هنر و علوم آمریکا، عضو فرهنگستان زبان عربی شیکاگو، عضو فرهنگستان زبان مصر و عضو افتخاری فرهنگستان زبان دمشق و عراق بوده و از چهره‌های شناخته شده در میان شرق‌شناسان به شمار می‌رود به طوری که از او به عنوان «بزرگترین خاورشناس انگلیسی دوران معاصر»، «استاد پژوهش‌های اسلامی و عربی در دانشگاه هاروارد آمریکا» و «از زمره بزرگترین نویسندگان دایره المعارف اسلام» یاد کرده‌اند.<sup>۳</sup> لازم به ذکر است که حتی برخی صاحب‌نظران از آن روی که گیب، با زبان و ادبیات عربی آشنایی داشته و متون اسلامی را به راحتی می‌توانسته مطالعه کند، نوشته‌ها و قضاوت‌های او را معتدل و منصفانه خوانده‌اند.<sup>۴</sup>

همیلتون گیب از جمله محققان و اندیشمندان است که در زمینه‌های زبان و ادبیات عربی، تاریخ اسلام و فرهنگ و تمدن اسلام تألیفات کثیره به صورت مقاله و کتاب دارد که به طور مختصر به معرفی آن‌ها می‌پردازیم:

۱. «فتوحات اعراب در آسیای مرکزی Arab Conquest in Central Asia»: این کتاب رساله کارشناسی ارشد او در دانشگاه لندن (۱۹۱۹-۱۹۲۲م.) است که به سال ۱۹۲۳م. به صورت کتاب منتشر گردید و در ۱۳۷۷ش. توسط حسین احمدی‌پور به فارسی برگردانده شد و انتشارات اختر شمال تبریز آن را چاپ نمود.

این اثر همانگونه که از نامش پیداست به تاریخ فتوحات مسلمانان در آسیای مرکزی و به ویژه فتوحات بنی‌مسلم و مقابله ترکان شرقی با مسلمانان پرداخته است. این کتاب حاوی اخبار زیادی راجع به تاریخ آسیای مرکزی است و منابع فراوانی را مورد مطالعه قرار داده و از کتاب‌های مختلفی سود جسته است مثلاً تاریخ طبری، فتوح البلدان بلاذری، تاریخ یعقوبی، تاریخ بخارای

۱ همیلتون گیب، همان، ص ۷.

۲ عبدالرحمن بدوی، همان، صص ۵۵۷-۵۵۸.

George Makdisi (1967), *Arabic and Islamic Studies in Honor*, London: Oxford University Press, pp. XVI – XXII.

۳ مصطفی السباعی (۱۴۲۰ق)، الاستشراق والمستشرقون (مالهم و ماعلیمهم)، دارالوراق للنشر و التوزع و دارالتیرین للطباعة و النشر و التوزیع، الرياض و بیروت: الطبعة الثانية، ص ۴۰.

۴ مصطفی طباطبائی، همان، ص ۱۳۵.

نرشخی و همچنین به قول خود مؤلف از راهنمائی‌های شرق‌شناسانی بزرگ چون بارتولد و توماس آرنولد و دنیسون روس استفاده کرده است.

۲. «درآمدی بر ادبیات عربی» *Arabic Literature: An Introduction* (۱۹۲۶م): از نخستین کتاب‌های او که میزان آگاهی‌اش درباره فرهنگ و ادبیات عربی را نشان می‌دهد. این کتاب از سده‌های قبل از اسلام که «دوره تفاخر» نامیده می‌شود، آغاز می‌گردد. در بخش دوم از دوره اسلامی با عنوان «گسترش ادبیات عربی» نام برده و در این قسمت به شخصیت پیامبر و نقش قرآن در پیشرفت زبان و ادبیات عربی پرداخته است. نکته قابل توجه در این کتاب این است که او سبک قرآن را اقتباس اجباری پیامبر از سبک کاهنان و ساحران جزیره العرب می‌داند. این کتاب توسط یعقوب آژند به فارسی ترجمه شده است.

۳. مقالات متعدد در «دایره المعارف اسلام» *Encyclopedia of Islam*: این دانشنامه بزرگ در سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۸م. در پنج مجلد به سه زبان فرانسوی، انگلیسی و آلمانی در شهر لیدن در هلند به چاپ رسید و مقالات خاورشناسانی همچون بلاشر (Blachere)، بروکلمان (Brokelman)، ایگناس گلدزیهر (I. Goldziher)، توماس آرنولد (T. Arnold)، شاخت (Schacht)، لامنس (Lammens)، برنارد لوئیس (B. Lewis)، بارتولد (Barthold)، مینورسکی (Minorsky)، هارتمان (Harmann)، موتگمری وات (W. M. Watt)، فارمر (Farmer) و نیز همیلتون گیب و... تدوین یافته است. این دایره المعارف به‌ویژه در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی گسترده‌تر شد و دوباره به تحریر پرداختند و مقالات تازه‌ای بر آن افزودند. این دانشنامه را مترجمان مصری به عربی برگرداندند و در پانزده مجلد آن را منتشر ساختند و برخی از محققان مصری پاره‌ای از آن را به نقد کشیدند. در ۱۹۶۴م. ترجمه دایره المعارف اسلام به زبان اردو آغاز شد و در ایران هم این کار از ۱۳۴۸ش. شروع شد و بخشی از آن با عنوان «دانشنامه ایران و اسلام» به فارسی درآمد و مقالاتی درباره ایران بر آن افزودند.

همان‌گونه که گفته شد گیب از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۵م. در جمع مسئولان دایره المعارف فعالیت کرد و با توجه به تخصص علمی که درباره تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی داشت، مقالات زیادی را برای این مجموعه فراهم آورد که به بعضی عنوان‌های آن‌ها اشاره می‌گردد:

«عبدالله بن علی، عموی ابوالعباس سفاح و ابوجعفر منصور از خلفای عباسی (Abd Allah b. Ali)»، «عبدالله بن خازم السملی، حاکم خراسان (Abd Allah b. Khazim Al-Sulami)»، «عبدالله بن وهب راسبی (Abd Allah b. Wahab Al-Rasibi)»، «عبدالله بن زبیر (Abd Allah b. Al-Zubayr)»، «عبدالحمید بن یحیی، از

پایه‌گذاران سبک ادبی در ادبیات عربی Abd Al-Hamid b. Yahya، «عبدالملک بن مروان Abd Al-Malik b. Marwan»، «ابوفراس حمدانی Abu Firas Al-Hamdani»، «ابومخنف Abu Mikhnaf»، «ابوالسرایا - Abu L-Saraya»، «احمد امین Ahmad Amin»، «امیرالمؤمنین Amir Al-Mu'minin»، «اخلاق Akhlak»، «عرفه Arafa»، «آسماء بنت عمیس Asma»، «ادبیات عربی Arabic Literature»، «ابوعبیده Abu Ubayda»، «مرادی Muradi»، «مستعلی Musta'li»، «مستنصر Mustansir»، «نایب Naib» و ....

۴. همیلتون گیب علاقه خاصی به جنگ‌های صلیبی داشته و در این زمینه پژوهش‌های متعددی انجام داده است. از آن جمله می‌توان به مقاله‌های «ابن قلانسی، وقایع‌نگار دمشق جنگ‌های صلیبی Ibn al-Qalanisi, The Damascus Chronicle of the Crusades (لندن، ۱۹۳۲م.)»، «جنگجویان صلیبی انگلیسی در پرتغال English Crusades in Portugal (۱۹۳۵م.)»، و «حیات و زندگانی صلاح الدین ایوبی در منابع عربی The Arabic Sources for the Life of Saladin (۱۹۵۰م.)» اشاره کرد.

«جریان‌های نوین در اسلام Modern trends in Islam»: در سال ۱۹۴۵م. در دانشگاه شیکاگو چاپ شد که مشتمل بر شش فصل با عنوان‌های بنیادهای اندیشه اسلام، مناقشات دینی در اسلام، اصول نوگرایی (مدرنیسم)، دین نوگرایان (مدرنیست‌ها)، قانون و جامعه و اسلام در جهان معاصر می‌باشد. گیب در مقدمه کتاب توضیح می‌دهد که تحت تأثیر کتاب «بینش و زندگی دینی در اسلام Religious Attitude and Life in Islam» نوشته دونکن بلک مک دونالد (Duncan Black Macdonald) به سال ۱۹۰۶م. بوده و از این که بعد از چهل سال، محقق آن را مورد نقد و بررسی قرار نداده، خرد می‌گیرد.<sup>۱</sup> او تلاش کرده در این کتاب به سه موضوع اساسی پردازد؛ شناخت صحیح محمد، پیشرفت تعالی وحدت وجود در مکتب‌های تصوف متأخر و بینش‌های دینی عصر حاضر و جنبش‌های مسلمانان.<sup>۲</sup>

۵. «اسلام؛ بررسی تاریخی Mohammedanism; an historical survey»: نخستین چاپ آن در ۱۹۴۹م. توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد صورت پذیرفت. این کتاب در حقیقت همانگونه که مؤلف در دیباچه گفته، نقدی است بعد از ۳۵ سال بر کتاب معروف پرفسور دیوید ساموئل مارگلیوث (D. S. Margoliouth) به نام محمدیت (Mohammedanism) که در ۱۹۱۱م. از سوی همین انتشارات چاپ شد.

1 Hamilton Gibb(1950), *Modern trends in Islam*, The university of Chicago press: Chicago, Illinois, p. vii.

2 Ibid, p.vii.

چاپ نخست کتاب در سال ۱۹۴۹م. با عنوان «محمدیت: بررسی تاریخی *Mohammedanism; an historical survey*» منتشر شد و در ابتدای فصل نخست از ناپسند بودن این نام نزد مسلمانان صحبت به میان آورد و آن گاه در چاپ سال ۱۹۶۵م. با عنوان «اسلام، بررسی تاریخی *Islam; an historical survey*» کتاب خود را تجدید چاپ نمود. این اثر را می توان قالب علمی تر، مفصل تر و پخته تر کتاب «جریان های نوین در اسلام» دانست زیرا در بردارنده موضوعاتی مانند گسترش اسلام، محمد، قرآن، عقاید و مناسک عبادی در قرآن، روایات پیامبر، شریعت، تسنن و تشیع، تصوف، فرقه های تصوف و اسلام در جهان معاصر می باشد. منوچهر امیری این کتاب را با عنوان «اسلام، بررسی تاریخی» ترجمه و در سال ۱۳۶۷ش. از سوی انتشارات علمی و فرهنگی ترجمه منتشر شد.

۶. «جامعه اسلامی و غرب؛ مطالعه ای درباره تأثیر تمدن غربی بر فرهنگ مسلمانان در شرق نزدیک *Islamic Society and The West; A Study of The Impact of Western Civilization on Moslem Culture in The Near East*»: از سوی انتشارات دانشگاه آکسفورد به سال ۱۹۵۰م. در دو مجلد چاپ شد. این کتاب را گیب با همکاری هارولد بوون (Harold Bowen) نوشت که شامل مسائل دوران جدید جهان اسلام و روابط آن با غرب می باشد.

جلد نخست به موضوع جامعه اسلامی در سده هیجدهم میلادی (*Islamic Society in The Eighteenth Century*) اختصاص یافته که در برگیرنده مباحثی همچون امپراتوری عثمانی و شرع مقدس، خلافت و سلطنت، دستگاه حاکمیت، دولت و حکومت در ایالت های عربی، دهقانان: تصاحب زمین و کشاورزی، شهر، صنعت و تجارت است و در جلد دوم از باج و خراج، نظام دینی، علما، اجرای قانون و فقه، فرهنگ آموزش و سوادآموزی، اوقاف دینی، دراویش و اهل ذمه سخن به میان می آورد.

۷. «دایره المعارف مختصر اسلام *Shorter Encyclopedia of Islam*»: بعد از چندین سال کار علمی در زمره مسئولان دایره المعارف اسلام با همکاری کرامرز (J. H. Kramers)، این کتاب را در ۱۹۵۱م. از طریق انتشارات Luzac و E. J. Brill در هلند و لندن به چاپ رساندند. این مجموعه در بردارنده مقالاتی محسوب می شود که در زمینه اسلام به ویژه دین، فقه و حقوق اسلامی نگارش یافته که به دایره المعارف اسلام اضافه گردیده است. شماری از این مقالات کوتاه گردیده یا بازنگاری شده و تعداد اندکی هم مقالات جدیدی به شمار می رود که به این کتاب ضمیمه گشته است.

۸. «سفرهای ابن بطوطه (۷۲۵-۷۵۴ق/۱۳۲۵-۱۳۵۴م.) *The Travels of Ibn Battuta*» (۱۹۵۸م.): او از مدت ها قبل از ترجمه این سفرنامه، در ۱۹۲۹م. گزیده ای از سفرنامه ابن بطوطه در آسیا و

افریقا *Ibn Battuta, Travels in Asia and Africa* را ترجمه کرده و این کتاب را با همکاری انتشارات Rutledge در لندن منتشر نموده بود. گیب، ترجمه این سفرنامه را به زبان انگلیسی در سالهای ۱۹۵۸م. (مجلد اول)، ۱۹۶۱م. مجلد دوم و مجلد سوم آن بعد از مرگش از طریق انتشارات Cambridge چاپ شد.

۹. مقاله «اسلام اسلام» در «دایره المعارف مختصر ادیان زنده *The Concise Encyclopedia of Living Faiths*»: نخستین چاپ آن در ۱۹۵۹م. در انگلستان با سرپرستی R. C. Zeahner صورت پذیرفت. این فرهنگ، ادیان را به دو بخش الهی و عقلی تقسیم نموده؛ یهودیت، مسیحیت، اسلام و زرتشت را در بخش ادیان الهی آورده و هندویسم، جینیسم، بودیسم، شیتو، کنفوسیوسیم، تائویسم و ماتریالیسم دیالکتیک را برآمده از عقل و خرد بشری ذکر کرده است.

مقاله نسبتاً کوتاه اسلام دربردارنده موضوعاتی همچون محمد و قرآن، تثبیت قلمرو اسلامی، پیدایش فرقه‌های سیاسی، گسترش روایات نبوی و پایه‌گذاری فقه اسلامی، تکالیف مسلمان، نهادهای اجتماعی، تصوف و اسلام نوین می‌باشد.

۱۰. «مطالعاتی در باب تمدن اسلام *Studies on the civilization of Islam*»: مجموعه مقالات همیلتون گیب از ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۶م. در زمینه فرهنگ و تمدن اسلام می‌باشد که توسط دو تن از شاگردانش استفورد شاو (Stanford Shaw) و ویلیام پولک (Polk William) با مقدمه خود گیب تدوین یافته و در ۱۹۶۲م. از سوی انتشارات Rutledge & Kegan Paul Limited لندن چاپ گردید. در مقاله یازدهم این مجموعه با عنوان «محمد و قرآن» نگارنده سعی نموده پیامبر را در کنار دو عنصر آموزه‌های بت‌پرستی دوره جاهلیت و تعالیم قرآن بازشناسی کند.

## ۲. سیره مدنی پیامبر در نگاه همیلتون گیب

اگر «سیاست» را به معنای عام آن «تدبیر» تعریف کنیم، آن‌گاه پیامبر برای زندگی اقوام مختلف جزیره العرب در کنار یکدیگر نیاز به اجرای تدابیری داشت که از درایت سیاسی و درک عمیق محیط اجتماعی‌اش حکایت می‌کرد. بسیاری از اموری که پیامبر مستقیماً با آن درگیر بود در چارچوب شخصیت سیاسی وی می‌گنجد که می‌توان به هجرت، قانون و حکومت جامعه اشاره کرد.

گیب، درک عالی و فهم عمیق محمد را با مصادیقی از رویدادهای بزرگ صدر اسلام ثابت کرده و آن‌ها را در قالب دستاوردهای بشری تفسیر می‌نماید و کم‌تر اعتنایی به مباحث دینی و ماورایی دارد. او سعی دارد بسیاری از حوادث تاریخی صدر اسلام را با درک و فهم سیاسی پیامبر

از اوضاع و شرایط زمان و مکانی که در آن می‌زیسته، تحلیل نماید؛ از همین روی نگاه او به پیامبر به مثابه فرد عرب بادیه‌نشین که کم‌تر با مسائل فکری و عقلانی سر و کار دارد، نیست و این‌گونه تصویرسازی از پیامبر را کاملاً اشتباه می‌خواند: «غیر واقعی‌تر از این نیست که محمد را بدوی و دارای اندیشه و بینش یک مرد قبیله‌ای بادیه‌نشین به تصویر بکشیم».<sup>۱</sup>

«سیاست» در نظر گیب به معنای بهره‌گیری از اموری همچون استعداد، زیرکی و مدیریت در راستای یک هدف مشخص است. این تعریف از سیاست را می‌توان در وقایعی چون مخالفت در برابر اشراف مکه، هجرت به مدینه، قانون مدینه، اقدامات سیاسی در مدینه و فتح مکه بررسی نمود.

### الف. هجرت

هجرت به مدینه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تحولات سیاسی عصر رسول خدا(ص) شمرده می‌شود که باعث ایجاد پایگاه جدید در مقابل مکه گردید. اسباب هجرت هر چه بود؛ قیام، خودسازی درونی، گریز از فشار مکیان و یا عوامل دیگر، از این زمان به بعد رقابت شدیدی میان مکه و مدینه در گرفت. «در آخرین سال‌های حضور محمد در مکه، کمتر انگیزه تازه‌ای برای توسعه دامنۀ رسالت محمد وجود داشت».<sup>۲</sup> و در جای دیگر ابراز می‌دارد؛ «محمد از فشار و خفقان مکه رنج می‌برد و دنبال آن بود تا با تغییر شرایط زمانی و مکانی، مسیر جدیدی پیدا کند».<sup>۳</sup>

از نگاه گیب، اعزام مسلمانان به مدینه نوعی تضمین برای حضور شخص پیامبر در مدینه بوده که این خواسته را بر مردم یثرب تحمیل نموده است؛ «محمد در برابر مخالفت مکیان که به دنبال سود و منفعت شخصی بودند، بیهوده مبارزه می‌کرد. او با دوراندیشی معمول خود ابتدا تضمین‌هایی را برای حفظ جایگاه و مقام خویش گرفت و به همین جهت به مردم مدینه تحمیل کرد تا پیروانش قبل از او به مدینه رهسپار شوند. شهر مدینه از جنگ طولانی میان قبایل رنج می‌برد و خسته بود و از طرفی مردم آن‌جا می‌ترسیدند مبدا قبایل یهود تحت نظارتشان از ضعف آن‌ها سوءاستفاده کنند. در نتیجه آن‌ها از محمد خواستند که به عنوان میانجی و آشتی‌دهنده به مدینه بیاید».<sup>۴</sup>

«بعد از ده سال رنج و سختی در مکه (قطعاً منظور مؤلف، سیزده سال دوره مکی بوده) فقط گروهی اندک از پیروان فداکار گرد خود فراهم کرده بود و زمانی که کینه‌های خانوادگی در

1 Gibb(1962), Ibid, p. 188.

2 Gibb(1963), Ibid, p. 190.

3 Gibb(1962), p. 23.

4 Ibid, p. 40.

شهر یثرب به شدت شایع بود، با دعوتی به هنگام در سال ۶۲۲م. با گروهی از پیروانش به یثرب که از آن به بعد **مکه النبی** یا شهر پیامبر نامیده شد، مهاجرت کرد و آن‌جا را آرام ساخت.<sup>۱</sup> «او با گروهی از ساکنان یثرب دیدار کرد تا به آن شهر مهاجرت کند، بنابراین دسته‌ای از روستاییان کشاورز (مردم مدینه) با جمعیتی از عربها (مردم مکه) و یهودیان آمیخته شدند. او بعد از مذاکره‌ای طولانی، تازه مسلمانان مکی را به یثرب فرستاد و خود در سپتامبر ۶۲۲م. به آن‌ها ملحق گردید. این هجرت (Emigration) آغازی برای تقویم مسلمانان شد.»<sup>۲</sup>

چنانچه در روایات گیب از تاریخ اسلام ملاحظه شد، او به پیامبر به دیده فردی سیاستمدار زیرک که همیشه منفعت خود را می‌جوید، می‌نگرد و هجرت به مدینه را اساساً نشانه یک دوره جدید در شخصیت و فعالیت‌های محمد می‌داند. او به خوبی تفاوت عمده‌ای میان پیامبر گمنام و مورد آزار و اذیت مکه و پیامبر خدامحور مبارز مدینه می‌بیند که به هیچ وجه قابل مقایسه نیست. از همین روی تعریف دیگری از هجرت به مدینه می‌دهد که به نظر بسیار زیبا و لطیف می‌نماید؛ «صراحت‌بخشیدن به قالبی که تاکنون به طور ضمنی و تلویحی وجود داشت. یعنی محمد آنچه را در ذهن خود می‌پروراند با هجرت به مدینه، کاملاً عملی کرد.»<sup>۳</sup>

#### ب. جامعه مدینه

همانگونه که ذکر شد آنچه پیامبر درباره مکه در ذهن داشت با هجرت به مدینه همه آن‌ها شکل عملی به خود گرفتند. وی جامعه مدینه را نسبت به مکه تحول یافته می‌داند و در این دگرگونی هیچ نقشی برای شخص محمد قائل نیست و جالب‌تر اینکه می‌گوید پیامبر می‌خواست جامعه‌ای بدون جنگ و درگیری بنا کند اما نتوانست به چنین خواسته‌ای دست یابد و لذا مدینه را به صحنه نبرد با مکیان فراخواند. «آنچه در مدینه تازگی داشت جامعه‌ای دینی کاملاً تحول یافته بود و این تغییر اساساً نتیجه تلاش‌های خود محمد نبود زیرا مدینه او را دعوت کرده بود و این برای او و پیروانش نشانه‌ای روشن از حمایت خداوند بود. محمد سعی کرد با عقیده دینی صلح-جویانه اقدام به تأسیس جامعه اسلامی نماید اما با شکست مواجه شد.»<sup>۴</sup>

«نهضت اسلام به طور مستقیم توسط محمد یا غیرمستقیم به واسطه عوامل دیگر به گونه‌ای

1 Hamilton Gibb(1963), *Arabic Literature: An Introduction* , p. 33.

2 Hamilton Gibb(1984), *Islam*, p.167.

3 Hamilton Gibb(1962), *Ibid* , p. 27.

4 Gibb, *Ibid*, pp. 27-28.

تدریجی و نامحسوس به یک کانون عربی سوق داده می‌شد و حداقل چنین می‌نماید که پیامبر از این گرایش باخبر بوده است و امکان دارد این مسئله تاحدودی به اقدامات او بر ضد قبایل یهودی مدینه کمک کرده باشد.<sup>۱</sup>

هیچ تردیدی وجود ندارد که پیامبر از اختلافات قبیله‌ای عرب به ویژه میان عرب‌های جنوبی (قحطانی) و عرب‌های شمالی (عدنانی) یا قبایل اوس و خزرج کاملاً آگاه بود که از عصر جاهلیت به جا مانده بود و ریشه در مفاخر قبیله‌ای و نسبی اقوام عرب داشت. اما این مطلب که این جریان به مخالفت محمد با یهودیان دامن زده باشد، جای بررسی تاریخی مستند و مستدل دارد.

گیب با توجه به این نظریه که مخالفت با هر چیزی به مقاومت و بقای آن چیز کمک می‌کند، بهتر شدن وضعیت محمد را در اثر مقاومت‌های مکیان می‌داند؛ چنان که بعد از هجرت این مخالفت‌ها منجر به شکل‌گیری نهایی اسلام به عنوان یک اجتماع مذهبی جدید با باورها و نهادهای خاص خود شد.<sup>۲</sup> «محمد از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرد کاملاً شناخت و آگاهی داشت و این آشنایی را زمانی می‌توان ارزیابی نمود که در تدوین قوانین به واکنش‌های مردم توجه می‌کرد و می‌دانست تا کجا می‌شود آداب و رسوم گذشته را با زور و اجبار اصلاح کرد».<sup>۳</sup>

### ج. اقدامات سیاسی در مدینه

با ورود مسلمانان به مدینه «دوره تثبیت اسلام» شروع شد و در همان زمان می‌شد پیش‌بینی کرد که دشواری‌های زیادی به همراه می‌آورد؛ «پس از هجرت به مدینه، اقدامات سیاسی محمد بر دو محور می‌چرخید: یکپارچگی داخلی امت اسلام (consolidation-internal) و اعمال فشار به مکه (coercion of Mecca)».<sup>۴</sup>

«محمد) بعد از رسیدن به یثرب، شروع به سازماندهی یک امت سیاسی متشکل از هجرت-کنندگان (مهاجرین) و شهروندان یثرب (انصار) نمود تا راه هجوم به کاروان‌های مکیان هموار گردد. دشمنی‌ها به مدت هفت سال ادامه یافت و در این مدت قبایل یهودی یثرب که رقبای ناسازگار و آشتی‌ناپذیری بودند از شهر اخراج شدند و قبایل بدوی غربی و مرکزی عربستان، آرام آرام به امت اسلام وارد گشتند».<sup>۵</sup> «ظاهراً نهضت اسلام شکل تازه‌ای یافته بود و یک جامعه با

1 Ibid, pp. 30-31.

2 Gibb(1962), pp. 25-26.

3 Ibid, p 32.

4 Gibb(1962), Ibid, p.28.

5 Gibb(1984), Islam, p.167.

خطوط سیاسی مشخص زیر نظر یک رئیس واحد سازماندهی شده بود. محمد همچون مخالفان خود، معتقد بود جامعه دینی جدید باید مبتنی بر بسترهای سیاسی باشد نه متکی بر تشکیلات مذهبی یا به اصطلاح، کلیسایی در درون دولت غیرمذهبی. از محمد نقل شده که از نظر پروردگار، هدف اصلی از بعثت پیامبران تشکیل دولت مذهبی است.<sup>۱</sup>

شاید بتوان جمله فوق را این گونه تشریح نمود که هدف اصلی و اولیه پیامبر همان تشکیل حکومت اسلامی بوده تا بتواند مقدمه‌ای باشد برای روی کارآوردن نهادهای مذهبی همچون حاکم، جانشین و امیر تا در آینده به گونه‌ای نقش‌آفرینی کنند که «جهاد» شکل بگیرد، «جانشین» تعیین گردد و یا «جزیه و مالیات» وضع شود. گیب با توجه به همین استدلال بیشترین تأثیر را در تحولات پس از هجرت را ناشی از اندیشه تأسیس جامعه اسلامی بیان می‌دارد.<sup>۲</sup> «قانون اساسی مدینه» یکی دیگر از اقدامات مهم سیاسی پیامبر در مدینه شمرده می‌شود که گیب بدون تحلیل و تفسیر عبور می‌کند و در این خصوص تنها بیان می‌دارد: «اولین سندی که در آن مبانی اجتماعی- سیاسی جامعه مشترک مدینه مطرح گردیده، قانون مدینه است».<sup>۳</sup>

در این میان گیب بیشترین تأثیر را در تحولات پس از هجرت ناشی از اندیشه تأسیس جامعه اسلامی می‌خواند.<sup>۴</sup> وی بسیار تلاش می‌کند در تمام تحولات به وقوع پیوسته در مدینه، نقش پیامبر یا جای پای او را نشان دهد. نمونه بارز چنین نگاهی را می‌توان در جریان تغییر قبله مشاهده کرد، آن‌جا که بیان می‌دارد: «مکه، کمتر از یک سال بعد از هجرت، در نظام اسلامی عبادتگاه مسلمانان (قبله) لقب گرفت که اینک در اختیار مشرکان قرار داشت. این گونه سیاست، بیش محمد را از سطح احساسات شخصی بالاتر برد؛ چرا که مکه، پیشگام فکری و سیاسی عربستان غربی بود و تا آن هنگام که دشمنی خود را ادامه می‌داد، خطری برای انقراض امت اسلامی به شمار می‌آمد».<sup>۵</sup>

یکی از نقاط ضعف پژوهش‌های مؤلف، عدم استفاده از اصول علمی روش تحقیق در تاریخ است؛ مثلاً او بدون استناد به منبع تاریخی معتبر و یا بدون اشاره به نمونه یا مصادیق تأییدکننده، از همان گفته خود نتیجه می‌گیرد؛ این که پیامبر اسلام تا پایان عمر خود تا زمانی که اقدام سیاسی بسنده می‌نمود، از اقدام نظامی هرگز استفاده نمی‌کرد و بعد از تسلیم مکه، عملیات نظامی به طور

1 Gibb(1962), *Mohammedanism; an historical survey*, p.27.

2 Ibid, p. 28.

3 Ibid, p. 43.

4 Ibid, p. 28.

5 Ibid, p. 28.

مطلق متوقف شد و یا این که محمد، فعالیت نظامی و سیاسی را به عنوان ابزاری برای تأثیرات اخلاقی و دینی و حفظ قبایل مغرور و سرکش می‌دانست،<sup>۱</sup> معلوم نیست از کدام مرجع مستند یا سیره موثق أخذ نموده است.

موضوع دیگری که به اقدامات پیامبر در مدینه ارتباط پیدا می‌کند این است که شخصی مثل محمد، هم پیغمبر و رهبر دینی یک قوم باشد و هم رئیس و زعیم یک امت. پیوند میان دین و سیاست در اسلام که از سیره پیامبر نشأت گرفته مورد اشاره بیشتر خاورشناسان بوده و این پدیده به طور خاص برای مسیحیانی که دین را به کلیسا و دنیا را به قیصر سپرده‌اند، عجیب می‌نماید. گیب نیز بسیار کوتاه و گذرا به این مطلب که محمد می‌دانست دین و دولت به هم وابسته‌اند<sup>۲</sup> بسنده نموده است.

#### د. فتح مکه

با گذشت هفت سال از هجرت که همراه با نبردهای سخت و مشقت‌های فراوان بود، سرانجام محمد و پیروانش به نتیجه دلخواه خود رسیدند. «فتح مکه» را به جرأت می‌توان نماد پیروزی اسلام در تمام جزیره العرب دانست. مطابق آنچه گیب بیان می‌دارد، فتح مکه از جمله برنامه‌هایی بوده که پیامبر برای دستیابی به آن از سالیان گذشته نقشه داشته است.

«مدینه بر مسیر حیات بازرگانی مکه به شمال قرار گرفته بود و به نظر می‌رسد تمام لشکر-کشی‌های محمد بر ضد قبایل بدوی، بخشی از نقشه کلی محسوب می‌شد که با مهارت و بصیرت زیادی برنامه‌ریزی شده بود تا با امتیاز این موقعیت و محاصره مکه، آن‌ها را به تسلیم وادارد. این اقدام، درگیری مسلحانه را دامن می‌زد و می‌بایست از قبل پیش‌بینی شده باشد».<sup>۳</sup> یا در جای دیگر اظهار می‌دارد: «محمد مدت هشت سال با مکیان، مبارزه مسلحانه (armed struggle) داشت تا آن که سرانجام در سال ۶۳۰ م. / ۸ ق. شهر مکه خود را تسلیم محمد کرد. دو سال از عمر محمد باقی‌مانده بود که حکم و دستور او در عربستان غربی بی‌چون و چرا اجرا می‌شد و از آن جایی که در منازعات گروهی هم به دنبال منفعت قبایل خودشان بودند، نمایندگان از تمام نواحی جزیره العرب به مدینه آمدند تا انقیاد و همیاری خویش را اعلام نمایند».<sup>۴</sup>

1 Ibid, 1962, p. 30.

2 Islam(1962), p. 27.

3 1962, Ibid, p. 29.

4 Hamilton Gibb (1963), *Arabic Literature: An Introduction*, pp. 32 -33; Hamilton Gibb, *Arabic Literature: An Introduction*.

مؤلف غربی باور داشته آنچه باعث شده مکه از نگاه پیامبر، بسیار مهم تلقی گردد، استعداد‌های مردم مکه در پیشبرد اهداف اسلام بعد از فقدان پیامبر است. در واقع پیامبر برای اداره جامعه اسلامی بعد از خود به مکیان بیشتر چشم امید داشت تا به مردم مدینه. «تمایل شدید محمد به استمداد از خلاقیت‌های مکیان از آن روی بود که ایشان را به خدمت اسلام درآورد. او به روشنی می‌دانست به لحاظ اعتقاد و عمق ایمان، مدینه، مرکز واقعی معنویت جامعه جدید است اما استعداد، ادراک و ظرفیت سیاسی مردم مکه در مقایسه با مردم مدینه بالاتر بود».<sup>۱</sup>

«یکی از اهداف اساسی محمد این بود که مکه باید سرانجام به میل خویش قدم پیش‌نهد. نبوغ سیاسی سرشار وی از آن‌جا آشکار می‌گردد که مکه بعد از هفت سال نزاع و کشمکش، اگرچه شریک علاقمند و مشتاقی نبود اما راضی بود و دشمن شکست‌خورده به حساب می‌آمد. دو سال بعد از پیوستن مکه به مسلمانان، جامعه با مرگ محمد به نخستین بحران بزرگ خود دچار شد و در چنین وضعیت دشواری، مکه در استقرار دوباره برتری اسلام در عربستان، نقش پیشگام‌ترین حامیان را ایفا نمود».<sup>۲</sup>

گیب متأسفانه منبع تاریخی که مؤید گفته خود باشد، ذکر نمی‌کند اما شاید از این قرینه که جانشینان پیامبر، همگی اهل مکه و از مهاجرین بوده‌اند به چنین جمع‌بندی رسیده باشد.

### نتیجه‌گیری

انتظار بیش از اندازه است که تصور شود خاورشناسان همچون مسلمانان در خصوص حیات و سیره تاریخی پیامبر اکرم(ص) اندیشیده‌اند، اما کم‌ترین توقع این است که منابع اسلامی را بدون کم و کاست مطالعه نموده‌اند و بدون غرض‌ورزی به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته‌اند.

با توجه به آنچه از تحقیقات همیلتون گیب در زمینه سیره رسول خدا(ص) ذکر شد، او تلاش زیادی نموده با کمک آشنایی به زبان و فرهنگ مسلمانان، زوایایی تاریک از تاریخ صدر اسلام را تبیین نماید ولی در این باره به تکرار اندیشه‌های شرق‌شناسان متقدم و نیز برخی تار و پود جهل و تعصب گرفتار شده است. بر کسی پوشیده نیست که گیب همانند محققان مسلمان به منابع اصلی و به اصطلاح دست اول سیره و تاریخ اسلام دسترسی نداشته و از سوی دیگر اعتقادش به آیین مسیحیت مانع از آن شده تا فارغ از هرگونه تعصب نسبت به آیین اسلام و فرهنگ

1 Hamilton Gibb(1962), *Mohammedanism an historical survey*, pp.28 -29.

2 Ibid, *Mohammedanism; an historical survey*, p. 29.

مسلمانان، دست بر قلم آورد. نگاه او به پیامبر اسلام به مثابه انسانی با استعداد، فوق العاده زیرک و سیاستمداری توانا است که با قدرت خیره کننده و مجذوب کننده (نیروی کاریزمای) منبعث از کتاب مقدس قرآن (وحی)، شریعت و قانون اسلامی را در میان عرب ها نهاده ساخته است.

اگر چه گیب بر خلاف دیگر مستشرقان همچون مونتگمری وات (Montgomery Watt) و برنارد لوئیس (Bernard Lewis) به پیامبر و اندیشه های او توهین نمی کند و حتی گاه از شخصیت و مقام نبوت رسول خدا (ص) دفاع می کند اما نمی تواند در میان نوشته های خود سؤالات و گاه شبهات تاریخی خود را بیان نکند. وی علی رغم آشنایی با فرهنگ اسلامی، پاسخ اقناع کننده به پرسش های مطرح نمی دهد و با طرح شبهات از کنار آن ها می گذرد.

### منابع و مآخذ

- اسدی، بیژن (۱۳۷۹ش)، دانشنامه نجفگان خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، چ ۱.
- الوری، محسن (۱۳۸۱ش)، مطالعات اسلامی در غرب، تهران: انتشارات سمت، چ ۱.
- بدوی، عبدالرحمن (۱۳۷۷ش)، دایره المعارف مستشرقان، ترجمه صالح طباطبایی، تهران: انتشارات روزنه، چ ۱.
- زمانی، محمدحسن (۱۳۸۵ش)، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان: تاریخچه، اهداف، مکاتب و گستره فعالیت مستشرقان، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چ ۱.
- السباعی، مصطفی (۱۴۲۰ق)، الاستشراق و المستشرقون (مالهم و ماعلهم)، الرياض و بیروت: دارالوراق للنشر و التوزع و دارالنیرین للطباعة و النشر و التوزیع، و التانیة.
- سحاب، ابوالقاسم (۱۳۱۷ش)، فرهنگ خاورشناسان در شرح حال و خدمات دانشمندان ایران شناس و مستشرقین، تهران: چاپخانه شرکت طبع تهران، چ ۱.
- طباطبایی، مصطفی (۱۳۷۵)، نقد آثار خاورشناسان، تهران: انتشارات چاپخش، چ ۱.
- طبیاوی، عبداللطیف (۱۳۴۹ش)، خاورشناسان انگلیسی زبان، ترجمه سیدخلیل خلیلیان، تهران: انتشارات نوید، چ ۱.
- گیب، همیلتون (۱۳۸۰ش)، اسلام، بررسی تاریخی، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۱.
- ---- [بی تا]، فتوحات اعراب در آسیای مرکزی، ترجمه حسین احمدی پور، تبریز: چاپ اخترشمال.
- Gibb, Hamilton Alexander Roskeen (1963), *Arabic Literature: An Introduction, Second Edition*, London: Oxford University Press.
- Gibb, Hamilton Alexander Roskeen (1950), *Modern trends in Islam*, Chicago-Illinois: The university of Chicago press.

- Gibb, Hamilton Alexander Roskeen(1962), *Mohammedanism; An historical Survey, second edition*, A Galaxy Book, New york: Oxford Univercity Press.
- Gibb, Hamilton Alexander Roskeen(1962), *Studies on the civilization of Islam*, edited by Stanford J.Show and William R.Polk; Routledge & Kegan Paul limited London.

